

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

به اهتمام: عبدالحی حبیبی
فرستنده: درویش وردگ
۰۹ نومبر ۲۰۱۷

ترجمه السَّوَادُ الْأَعْظَمُ - ۱۱

تألیف: ابوالقاسم اسحاق بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن زید- حکیم سمرقندی

ترجمه به فارسی در حدود (۳۷۰) هجری به فرمان امیرنوح سامانی

مسألة هفدهم

آنست که نامه خواندن حق بیند که هر که منکر شود، هوادار و معتزلی باشد. زیرا که کتاب خدای عزوجل بدان ناطق است، قوله تعالى: اقْرَأْ كِتَابَكَ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا. و جای دیگر گفت: فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ. و جای دیگر گفت: كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ..... و جای دیگر گفت: وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا. و جای دیگر گفت: وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ.

و رسول گفت علیه الصلوة والسلام: روز قیامت، بنده در نامه خود نگر، حج بیند، و غزا بیند، و صدقه و زکوة بیند، که نکرده باشد در دنیا. گوید: بار خدایا! این نامه من نیست. ندانید: که راست گفتم، این طاعتها نکرده ای! ولیکن می گفتمی و می اندیشیدی، که اگر مال بودی، حج کردی، و غزا کردی، و صدقه دادی! پس بدان نیت نیکو که بکردی، ما اینها در نامه تو ثبت کردیم و آن نیت ترا از توفیق گرفتیم.

و در خبر است: که روز قیامت، بنده در نامه اعمال خود نیکی بسیار بیند که نکرده باشد. گوید: بار خدایا! این اعمال خیر من نکرده ام! فرمان آید: که ای بنده! مرمات ترا غیبت کرده اند و توندانستی. مافرمودیم: تا آن نیکی های ایشان را در نامه تو نوشتند. و دیگری را نامه در دست دهند و هیچ کردار نیکو نبیند. گوید: یارب من در دنیا طاعت و خیرات بسیار کرده ام و درین نامه نبینم. از حق تعالی فرمان رسد: که طاعات و خیرات ترابه آن کسان دادیم، که تودرد دنیا ایشان را غیبت می کردی!

و رسول الله علیه الصلوة والسلام گفت: هر که بگوید در دنیا بصدق که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ این گفتار در نامه وی درآرند و گناهان از نامه وی پاک کنند، تا آنجا رسد که این کلمه گفته باشد قرار گیرد.

و اندرین باب آیات و اخبار بسیار آمده است. هر که این را منکر شود کافر شود. این مقدار بس باشد عاقل را.

مسألة هژدهم

آنست: که شمار روز قیامت حق بیند. و هر که حق نبیند هوادار باشد. زیر آنکه: کتاب خدای عز و جلّ بدین ناطق است. قوله تعالى: مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ: پادشاه روز قیامت، ای روز شمار.

جای دیگر گفت: لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا. و رسول گفت علیه الصلوة والسلام: حلالها را حساب و حرامها را عذاب باشد.

و در خبر دیگر گفت: مَنْ نُوقِشَ الْحِسَابَ عُدَّ بِ: هر که را در حساب کشیدند عذابش کردند.

و رسول علیه الصلوة والسلام وقتی از غزائی آمده بود و در خرماستان فرود آمده و استراحت کرده. مردی از در خرماستان درآمد فریاد کنان می گفت: المستغاث یارسول الله! رسول علیه الصلوة والسلام گفت: تو کیستی؟ گفت: من صاحب این خرماستانم. رسول علیه الصلوة والسلام گفت: مرده ای یا زنده؟ گفت مرده ام.

رسول علیه الصلوة والسلام گفت: چند گاهست که مرده ای؟ گفت: بیست و هفت سالست تا مرده ام و در این مدت مرا یکساعت از عذاب رهائی نیست. گفت: چرا؟ گفت: زیر آنکه چون بمردم مرا در پیش عرش برپای کردند. فرمان آمد: که شمار آن خرماستان بده! گفتم: بار خدایا! طاقت ندارم. فرمان آمد که حساب آن یک درخت خرما بده! گفتم: بار خدایا! طاقت ندارم و زاری کردم. فرمان آمد: که حساب یک خرما بده! اکنون بیست و هفت سالست تا در حساب آن یک خرما میم. پس بدین آیات و اخبار درست شد، که شمار قیامت حق است. این مقدار بس بود خردمند را.

مسألة نوزدهم

آنست: که ترازو حق بیند و هر که حق نبیند هوادار باشد. زیر آنکه ترازو حق است هم بکتاب خدای تعالی و هم باخبار رسول (صلی الله علیه وسلم).

اما کتاب: فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ، وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ.

و اما خبر آنست: که رسول علیه الصلوة والسلام گفت: بنده را به نزدیک ترازو آورند و کردار آن را برکشند. اگر پله نیکی گران آید، جبرئیل ندا کند: أَلَا إِنَّ فُلَانًا سَعَدَ سَعَادَةً لَا يَشْقَى بَعْدَهُ أَبَدًا. گوید: بدانید و آگاه باشید! که فلان ابن فلان نیک بخت شد، که هرگز بدبخت نخواهد شد. و هر که ترازوی آن به بدی گران آید، جبرئیل ندا کند: که فلان ابن فلان بدبخت شد، که هرگز نیک بخت نخواهد شد.

در خبر است: که داوود علیه السلام روزی سر بر آورد و گفت: بار خدایا! می خواهم که ترازوی قیامت را ببینم. فرمان آمد که به صحرا بیرون آی! بیرون آمد. پس ترازوی قیامت را بدان نمودند. هر پله چندان بود که از مشرق تا مغرب.

(گفتند) یارسول الله! آن پله را که تواند پر کردن؟ رسول علیه الصلوة والسلام گفت: هر که نیم خرما از بهر خدای تعالی بدهد، که دروی روی و ریاء نباشد، حق تعالی آن نیم خرما را در خزانه قدرت بپرورد چندان که کوه احد گرداند. و روز قیامت در ترازوی آن نهد تانیکی اش گران آید.

پس بدین دلایل معلوم شد، که ترازو حق است. این مقدار بس بود عاقل را